

محرقیهای اجمالی

نگرشی تاریخی به فلسفه حقوق

محمدحسین ساکت. نگرشی تاریخی به فلسفه حقوق.

(چاپ اول: شرکت انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۰).

۲۴۵ص، وزیری.

اگر چه در زمینه‌های مختلف ادبی، تاریخی، هنری و

بویژه دینی، بازار کتاب و یا دقیق‌تر بگوییم بازار تحقیق و تألیف و نشر در ایران نسبتاً فعال است، اما در زمینه رشته حقوق، با توجه به پیشینه تاریخی آن (حقوق سنتی یا فقه اسلامی) و نیز بنیادها و مبانی حقوق و به طور



گسترده تر فلسفه حقوق، کوششی در خور توجه صورت نمی‌گیرد. و اگر چه متخصصین این رشته مهم و مورد نیاز جامعه اندک نیستند، اما کسانی که در این وادی پر مخاطره و پیچیده دست به قلم می‌برند و تألیفی در خور و شایسته که راهگشای طالبان و تشنگان دانش حقوق باشد ارائه می‌دهند، بسیار اندک است و متأسفانه از شمار انگشتان دست نمی‌گذرد. در این میان فلسفه حقوق که در پی تبیین بنیادهای این دانش است، بیش از همه مورد بی‌مهری قرار گرفته است. خوشبختانه انتشار کتاب نگرشی تاریخی به فلسفه حقوق، اثر پر ارزش آقای محمدحسین ساکت، بارقه‌امیدی در دل مشتاقان دانش حقوق افروخته است.

این کتاب کوششی است موفق در جهت شناخت فلسفه

حقوق و سیر تطور آن در طول تاریخ بشر. به گفته مؤلف، این کتاب در واقع بخش دوم کتاب دیباچه‌ای بر دانش حقوق، نظریه حق / مفهوم حقوق است و از چهارده فصل به انضمام یک پیوست تشکیل شده است.

فصل یکم، درباره فلسفه و مبانی حقوق، پیشینه و سرگذشت فلسفه حقوق و اهمیت آن در پژوهشهای حقوقی، پیوند میان این رشته و دانش حقوق و مکتبهای برجسته در فلسفه حقوق، گفتگو می‌کند.

در فصل دوم، خواننده با مکتبهای آرمانی و هدف‌گرای حقوق آشنا می‌شود. در این جا، از ادیان ابراهیمی، یهودیت و مسیحیت و اسلام، به عنوان راهگشایان اندیشه‌های فلسفه حقوق یاد شده است و اندیشه‌های یونانی درچهره اساطیری و کهن خود، اندیشه‌گری سوفیستها، تفکرات فلسفی - حقوقی سقراط، افلاطون، ارسطو و نشان‌گذاری نگرشهای سیاسی - حقوقی افلاطون بر فارابی، به بحث گرفته شده است. در همین فصل است که با اندیشه‌های حقوقدانان و فلاسفه حقوق رم، رواقیان و دیگر مکتبهای وابسته آشنا می‌شویم و دیدگاههای اولپین، آبای کلیسا، قدیس آگوستین، نویسندگان قانون مدنی و شریعت کلیسا در روزگار رنسانس، قدیس تاماس اکیناس و فلسفه مدرسیها و مکتب نامگرایی و مطلق‌گرایی در حقوق را به دست می‌آوریم.

فصل سوم، ویژه نگرشهای نا آرمانی حقوق است. پس از رنسانس، حقوق به عنوان حقیقتی تاریخی رخ می‌نماید و مفهوم حقوق موضوعه (در برابر حقوق فطری) جوانه می‌زند. دانشمندانی چون ژان بون، گروسیوس، سوارز و دیگران در شکوفایی این جوانه کارگر می‌افتند. کوششهای سوارز و گروسیوس به پدیداری حقوق بین‌الملل می‌انجامد

و راه را برای تفکرات بعدی فلسفه حقوق باز می‌کند.

در فصل چهارم آغاز مشروطه خواهی - که از انگلستان برخاسته - مورد بررسی قرار گرفته و به اندیشه‌های تاماس اسمیت، ریچارد هوکر، ادوارد کوک و فرانسیس بیکن درباره حقوق و فلسفه حقوق پرداخته شده است.

فصل پنجم از ریشه‌های آغازین مکتب آمرانه یا تحلیلی حقوق سخن می‌گوید. اندیشه‌های تاماس هابز، مکتب سودگرایان و پیشگامان این مکتب، یعنی جرمی بنتام و استوارت میل، در این فصل بررسی شده است.

فصل ششم کتاب عهده‌دار بررسی اندیشه‌های فلسفی - حقوقی جان لاک و منتسکیو است. این دو، که هیچگاه حقوق‌دان به شمار نیامده‌اند، تأثیر ژرفی بر فلاسفه حقوق و حقوق‌دانان و سیر تاریخی تفکرات حقوقی نهاده‌اند.

فصل هفتم با عنوان «خردناب»، از اسپینوزا تا ولف مورد بررسی قرار گرفته است. خواننده در این فصل با فلسفه حقوق لیبنیتز، تومازیوس و ولف آشنا می‌شود.

در فصل هشتم، حقوق به عنوان بیان اراده عمومی به بحث نهاده شده است. ژان ژاک روسو و قرارداد اجتماعی او، کانت و مکتب آرمان‌گرایی متعالیش در همین فصل مورد پژوهش قرار گرفته است.

فصل نهم ویژه مکتب تحلیلی یا آمرانه حقوق است که در روند تاریخی فلسفه حقوق نشانهای ژرف و ماندگار بر جای گذاشت. جلوه‌هایی از تحقق‌گرایی در حقوق یا به سخن دیگر، حقوق تحققی و اندیشه‌های حقوقی جان آستین، پایه‌گذار مکتب تحلیلی حقوقی، در همین فصل به نمایش درآمده است.

در فصل دهم، به بررسی مکتب تاریخی و اندیشه‌های هگل و ساوینی آلمانی و اسپنسر پرداخته شده است. مکتب تاریخی حقوق، دیرگاهی در میان فلاسفه حقوق به عنوان یکی از بحث‌انگیزترین مسائل وابسته به این رشته درآمده بود.

فصل یازدهم کتاب به نگرش طبقاتی فلسفه حقوق، یعنی اندیشه‌های مارکس و انگلس می‌پردازد. نگفته پیداست که دگرگونیهای جدید و جنبشهای آزادیخواهانه‌ای که سر از گریبان کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی درآورده است، نشانگر بازنگریهای جدی و کارساز در زمینه نظریه پردازای حقوقی و فلسفه حقوق در این مکتب است

و هنوز نمی‌توان به درستی در این باره به داوری نشست. امید است که بررسیهای عمیق و دقیق توسط کارشناسان انجام گیرد.

در فصل دوازدهم از آزادمنشی فلسفی و نقش آن در فلسفه حقوق سخن گفته شده است. ایرینگ و استاملر، دو شخصیت برجسته در مکتب تحققی به شمار آمده‌اند که در این فصل به بررسی اندیشه‌های فلسفه حقوق آنان پرداخته شده است.

در فصل سیزدهم به نظریه‌های جامعه‌شناختی و واقع‌گرایی حقوق پرداخته شده است. نگرشهای جامعه‌شناسانه ماکس وبر، اندیشه‌های کهلر، حقوق زنده ارلیک، مکتب نسبی‌گرایی، نظریه ناب حقوق کلسن، جنبش حقوق آزاد، مکتب واقع‌گرایی حقوقی آمریکا و استکاندیناوی و دیدگاههای جدید و جنبش واقع‌گرایی نو در حقوق، بررسی شده است.

و افسین فصل کتاب درباره حقوق طبیعی است. مفهوم و روند تاریخی حقوق طبیعی از آغاز تا امروز در این فصل به بحث نهاده شده است و فلاسفه حقوق طبیعی - تا آنجا که محدود کتاب اجازه می‌دهد - معرفی شده‌اند.

نکته بدیع و قابل توجه در این کتاب، این است که فلسفه حقوق از دیدگاه دانشمندان اسلامی برای اولین مرتبه در کتاب حاضر مورد بررسی قرار گرفته و زیر عنوان مکتبهای آرمانی و هدف‌گرایی حقوق، ادیان ابراهیمی، و... فلسفه حقوق در اسلام که در بوته فراموشی سپرده شده بود، برای نخستین بار مطرح شده است. به نظر مؤلف، فلسفه حقوق، زیربنایی اسلامی دارد و لذا پیوست پایان کتاب به متن و ترجمه فارسی رساله‌ای از مسکویه به ابوحیان توحیدی در ماهیت عدل که نمونه‌ای از فلسفه حقوق در اسلام می‌باشد، اختصاص داده شده است.

در پایان این معرفی اجمالی، به نظر نگارنده این سطور، خواننده در این کتاب با فشرده‌ای از فلسفه حقوق و سیر تاریخی آن آشنا می‌شود. قلم مؤلف از نظر ادبی، قابل تحسین و توجه برانگیز است و بر جذابیت و زیبایی کتاب افزوده است. سعی مؤلف مشکور باد.

جابر آزاد مقدم

مجموعه مقالات سمینار دیدگاههای اسلام در

پزشکی

گردآوری و تنظیم سید حسین فتاحی معصوم. (مشهد، دبیرخانه دائمی سمینار و با همکاری مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۱). ۳۴ص، وزیری.



آیینی که دانش پزشکی (علم الأبدان) را هم‌سنگ دین‌شناسی (علم الادیان) قرار می‌دهد، گفتنیهای بسیاری در این باره دارد. پیشوایان دینی ما بر سلامتی جسمی مسلمانان نیز مانند سلامتی روحی آنان تأکید کرده‌اند. پیامبر

اکرم-ص- همچنان که روح اخوت را در میان مسلمین برقرار کرد و کینه‌های قدیمی را زدود، بر نظافت و از بین بردن قذارات مُصر بود و آن را نشانه ایمان می‌دانست. بدین سبب می‌بینیم که در کنار احادیث و دستورات فقهی و اخلاقی آن بزرگواران، دستورالعملهای متعددی برای حفظ سلامتی بدن و پیشگیری از بیماریها وجود دارد. این دستورات در مجموعه‌هایی چون «طب الصادق»، «طب الأئمه» و «رساله ذهبیه» فراهم آمده و در دسترس است.

در فرهنگ ما نیز واژه «حکیم» بیش از طبیب یا پزشک رایج بوده است. اطلاق یکی از صفات خداوند بر صاحب حرفه پزشکی بی‌سبب نیست. مردم ما همواره از حکیم دستی معجزه‌گر و دمی مسیحایی طلب می‌کردند و او را محرم راز خود و کارگشای سختیهای خود می‌دانستند.

کمتر فردی مانند پزشک، با تمام اقشار مردم و در همه مراحل زندگی آنان حضور دارد. و این نکته، اهمیت حرفه پزشکی را به خوبی روشن می‌سازد. با وجود این، عوامل متعددی صیغه دینی طبابت را زدود و آن را توسط علوم جدید غرب به تکنیکی صرف بدل ساخت. زان پس، رابطه عمیق میان بیمار و پزشک، گسست و رابطه ای خشک و صوری جای آن را گرفت.

حاکمیت مجدد اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این امید را در دلها زنده کرد تا پزشکی به آغوش فرهنگ دینی ما بازگردد و از ریشه‌های عریق آن سیراب گردد. سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، برآیند این امید است. این سمینار به تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۸ در مشهد مقدس به همت دست اندرکاران علوم پزشکی کشور و حوزیان بزرگوار، به منظور آشتی دادن مجدد پزشکی و اسلام و پاسخگویی به برخی سؤالات پزشکی که جنبه فقهی دارد، به مدت چهار روز برگزار شد.

کتاب فوق که به همت جناب دکتر فتاحی، دبیر سمینار فراهم شده، شرح دقیقی است از زمینه‌های تشکیل سمینار، اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی، مقالات ارائه شده، و قطعنامه پایانی آن.

کتاب از سه بخش تشکیل شده است: اخلاق پزشکی، منابع و مشاهیر پزشکی در تمدن اسلامی و بالاخره، بررسی احکام فقهی در پزشکی.

بخش اول شامل بیست و دو مقاله - و خلاصه مقالات - است. محور اساسی این مقالات بررسی اخلاقیات پزشکی و مسائل جانبی آن است.

بخش دوم کتاب شامل هفت مقاله است. در این مقالات، کتابهای معتبر طبی در تمدن اسلامی، نظریات دین هندو درباره برنامه آموزش پزشکی، عوامل پیشرفت و انحطاط علوم پزشکی در جوامع اسلامی و... مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش سوم اختصاص به «بررسی احکام فقهی در پزشکی» دارد. در این بخش، علاوه بر مقالات متعدد، حدود هفتاد سؤال جدید در مورد احکام فقهی تشریح بدن میت، سقط جنین (سقط درمانی)، کنترل جمعیت، بچه لوله آزمایشگاهی، همافرودیسیم حقیقی (دو جنسیتی)، تلقیح صناعی و... طرح شده است. همچنین در این بخش، فتاوی مرحوم آیت الله خویی-ره- درباره برخی از سؤالات طرح شده در سمینار آمده است. می‌توان گفت این بخش، به دلیل طبقه‌بندی سؤالات جدید و طرح آنها، جذابترین بخش کتاب به شمار می‌رود و مطالعه آن مخصوصاً برای طلاب فاضل و علاقمند به مسائل مستحدثه بسیار مفید است.

مطالعه این کتاب به علاقمندان و مخصوصاً دست اندرکاران پزشکی و طلاب، جداً توصیه می‌شود. در این جا نکته‌ای قابل اشاره است: از مجموع بیست و

دو مقاله بخش اول، تنها سه مقاله اختصاصی به حوزویان دارد و تمامی هفت مقاله بخش دوم، توسط دانشگاہیان ارائه شده است. البته در بخش سوم، حضور روحانیان و مقالات ارائه شده آنان چشمگیرتر است، اما باز اکثریت با جامعه پزشکی است. از آنجا که این سمینار بیشتر یک سمینار فقهی بود و تلاش داشت دیدگاه اسلام را نسبت به پزشکی و مسائل تازه آن تبیین کند، انتظار می‌رفت فضایی گرانقدر حوزه فعالانه‌تر در آن شرکت می‌کردند.

در پایان، لازم است از تمامی دست اندرکاران این سمینار، شرکت کنندگان، ارائه کنندگان مقالات و بویژه گردآورنده کتاب، جناب دکتر فتاحی، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، تشکر کنیم و توفیق روزافزون آنان را از خداوند متعال خواستار شویم.

سیدحسن اسلامی

اسناد و طرق آنها بحث نشده است. مؤلف در فرجام کتاب، مجموعه بحثهایی را تنظیم کرده است با عنوان خاتمه، و در آن از مباحث مهمی سخن گفته است. وی در این مؤخره، در ضمن «فوائد»، از مسائل ارجمند رجالی و حدیثی که به گونه‌ای در توثیق کتاب نقش داشته‌اند، بحث کرده است. مانند تعیین دقیق نام کتابها و مؤلفان آنها، اثبات نسبت کتابها به مؤلفان، اتصال سند مؤلف به راویان آنها، تصحیح اسناد به گونه‌ای که قابل استناد باشد، بویژه بر پایه شیوه مؤلف در تصحیح اخبار که شیوه اخباری است و بالأخره اعتقاد به حجیت تمام آنچه در مصادر کتاب آمده است؛ خاصه کتب اربعه و ...

فواید یاد شده بدین قرار است:

۱. گزارش طرق شیخ صدوق که در پایان «کتاب من لایحضره الفقیه» آمده است.
 ۲. گزارش طرق شیخ طوسی که در پایان کتابهای تهذیب الأحکام و استبصار آمده است.
 ۳. تفسیر «عده» در اصطلاح ثقة الاسلام کلینی و دیگر مبهمات اسناد کتاب کافی.
 ۴. گزارش مصادر معتمد در تدوین وسائل الشیعه.
 ۵. گزارش طرق مؤلف در روایات مصادر یاد شده در فایده چهارم.
 ۶. تبیین صحت و استواری کتابهای معتمد در تألیف وسائل الشیعه، و گواهی عالمان و محدثان در این باره.
 ۷. گزارش اصحاب اصول، اصحاب اجماع و صاحبان کتابهای معتمد.
 ۸. تبیین قرائتی که موجب ثبوت خبر و اعتماد بدان می‌شود.
 ۹. تبیین دلایل صحت احادیث کتابهایی که از آنها حدیث نقل کرده است.
 ۱۰. نقد و رد اعتراضهای درباره صحت کتب یاد شده در فایده نهم.
 ۱۱. احادیث «مضمرة» و رفع اشکال از حجیت آنها.
 ۱۲. در این بخش که گسترده‌ترین فواید دوازده‌گانه است، در آغاز از قرائتی که در احوال رجال نشانگر توثیق آنها تواند بود، سخن رفته است و پس از آن به تفصیل و بر اساس حروف الفبا راویان و محدثان یاد شده‌اند.
- متأسفانه مؤلف عظیم الشان وسائل، از این مقدمه و شیوه تألیف آن به تفصیل یا نکرده و به اشاره‌ای بسنده

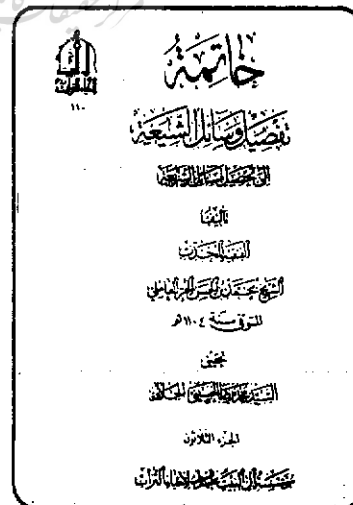
خاتمه تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه

محمدبن الحسن الحر العاملی. تحقیق محمدرضا

الحسینی الجلالی.

(قم، مؤسسه آل البيت «ع» لأحیاء التراث، ۱۴۱۲).
ص ۵۵۲، وزیری.

مجموعه عظیم تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، که اکنون به نام اختصاری وسائل الشیعه مشهور است، از



منابع مهم و گرانقدر فرهنگ اسلامی است، و قرن‌هاست که مدار تحقیق و تفحص و پژوهش و استنباط و اجتهاد است. گسترش مواد، ترتیب کارآمد، تنظیم استوار، تدوین بر اساس کتابهای فقهی و سهل الوصول بودن آن، از مزایایی است که کتاب حاضر را در جایگاهی بلند قرار داده است.

این مجموعه سترگ، مستند است به منابع بسیار و مصادر فراوانی که در مقدمه و ضمن کتاب از آنها و چگونگی

تنها به فهرست عناوین کلی بسنده شده است. تحقیق این کتاب تحقیقی است استوار و نمونه، و کاری است گرانقدر که فقیه، محدث و رجال را بهره‌های فراوانی خواهد رساند.
محمدعلی مهدوی راد

ده رساله

ملا محسن فیض کاشانی. به اهتمام رسول جعفریان.
(چاپ اول: اصفهان، مرکز تحقیقات علمی و دینی امام
امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۳۷۱). ۲۹۱ ص، وزیری.



عالم بزرگ قرن
یازدهم، ملامحسن
فیض کاشانی
(۱۰۹۱-۱۰۰۷)
زندگی پر تحولی را
طی کرده است. در
نزد تنی چند از
استادان معروف آن
زمان با اندیشه‌ها و
گرایشهای گوناگون،
چون سید ماجد
ب.....راندی،

صدرالمتألهین شیرازی، درس خوانده و در علوم مختلفی از فلسفه و عرفان تا فقه و حدیث قلم زده است. اینکه چگونه یک عارف و قائل به حکمت متعالیه بالاخره به یک محدث اخباری تحول می‌یابد، از عجایب زندگی فیض کاشانی است. حیات علمی فیض، همچون غزالی، پرفراز و نشیب بوده است. فیض، خود در چند نوبت، زندگانی علمی خود را با توجه به آخرین تطورات فکریش به رشته تحریر درآورده است که مهمترین منبع ریشه‌یابی تحولات فکری اوست. اکثر آثار فیض به زبان عربی نگارش یافته، اما آثار فارسی نیز دارد.

اخیراً به همت آقای رسول جعفریان، نه رساله فارسی و یک رساله عربی مرحوم فیض در یک مجموعه به نام ده رساله منتشر شده است. از نکات مثبت کتاب، مقدمه مفید و نسبتاً مبسوطی است که در بیان مآخذ شرح حال فیض، کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار وی به نگارش درآمده است. به علاوه در ابتدای هر رساله، مقدمه کوتاهی در

نموده است. به هر حال اهمیت این خاتمه بر محققان و مراجعه‌کنندگان وسائل الشیعه پوشیده نیست. با در نگریستن در آن، از یکسوی چگونگی توثیق منقولات و وسائل را توان دریافت و از سوی دیگر، چگونگی نگرش رجالی مؤلف و دستیابی به معیارهای اظهار نظر وی در اسناد حدیث را.

شیوه تحقیق:

محقق محترم را توفیق رفیق بوده است که چاپ جدید وسائل را در مرحله نهایی یکسره بنگرد و از معارف والای نهفته در آن بهره‌ها گیرد و با اشراف بر شیوه مؤلف، تحقیق خاتمه را به عهده گیرد و به گونه‌ای علمی، دقیق و استوار آن را عرضه کند. اکنون به برخی از آنچه وی در عرضه این اثر فخیم انجام داده است، اشاره می‌کنیم.

۱) کتاب را بر پایه سه نسخه، از جمله نسخه مصحح مؤلف با دقت تمام و مقابله تصحیح کرده اند و متنی استوار را، با تقطیع و تنظیم کارآمد و با رعایت تمام امور سجاوندی به شکلی چشم‌نواز عرضه کرده اند.

۲) ضبط اسماء: چنانکه یاد شد، کتاب آکنده است از نام رجال اسناد احادیث. محقق محترم با دقت تمام، همه نامها را با تکیه بر منابع مهم و اطلاعات رجالی گسترده اش ضبط کرده و اعراب گذاشته اند.

۳) در پانوشتها از آوردن تعلیقات درازدامن دوری گزیده و در مواقع لازم برای تبیین چگونگی اختلاف نسخه و مستندسازی آنچه برگزیده یاد شده است، تعلیقات سودمندی افزوده اند.

۴) تنظیم دقیق مشیخه مؤلف: چنانکه پیشتر یاد کردیم، «فائده خامسه»، گزارش طرق مؤلف به کتابهای مرجع وی در تدوین وسائل الشیعه است. محقق، مشایخ یاد شده در طرق مؤلف را به شکل علمی و دقیقی شماره‌گذاری کرده و بدون شرح و بسط و با ارجاع به شماره‌ها، اسناد را به هم ارتباط داده است. مراجعه‌کننده با توجه به این شیوه مبتکر (ص ۱۶۹) با سهولت و سرعت می‌تواند مطلوبش را دریابد.

۵) افزون بر آنچه یاد شد، محقق مقدمه‌ای مفصل و سودمند نگاشته‌اند و در ضمن آن از اهمیت حدیث نزد فقها، ویژگیهای وسائل الشیعه و برجستگیهای آن نسبت به کتب حدیثی متداول و... سخن گفته‌اند.

یادآوری کنیم که در این جلد، از آن جهت که فهرستهای گونه‌گون کتاب را یک جا در چند مجلد عرضه خواهد شد،

معرفی اجمالی آن و نسخه‌های مختلفش آورده شده است. عناوین رساله عبارتند از: ۱- شرح صدر ۲- زاد السالك ۳- المعاکمه ۴- راه صواب ۵- آینه شاهی ۶- الانصاف ۷- الفت نامه ۸- پاسخ به سؤالات اهل مولتان ۹- مشواق ۱۰- الاعتذار. از این ده رساله، هشت رساله آن در نیم قرن گذشته به اشکال مختلف منتشر شده است اما دو رساله آن، یعنی رساله عربی الاعتذار و رساله مختصر پاسخ به سؤالات اهل مولتان، برای اولین بار است که منتشر می‌شود. مهمترین رسائل این مجموعه که بیانگر چگونگی تحول فکری فیض است، رسائل الأنصاف، شرح صدر، آینه شاهی و الاعتذار است.

رساله شرح صدر شامل دو مقاله است: در مقاله اول از حقیقت علم و عالمان سخن گفته و در مقاله دوم شرحی از دوران زندگی خویش تا پنج و هشت سالگی آمده است. از مفاد این رساله می‌توان برخی از مهمترین جریانات فکری مؤثر در شکل‌گیری اندیشه فیض را شناخت و بر دیدگاه‌های او نسبت به مسائلی چند آگاهی یافت. فیض در رساله مختصر زادالسالك، طی بیست و پنج اقدامی که سالک طریق حق باید انجام دهد، رساله‌ای در آداب سلوک پرداخته است. رساله المحاکمه یکی از رساله‌هایی نسبتاً مهمی است که برای شناخت آرا و افکار فیض به کار می‌آید. فیض در پاسخ سؤالاتی که به وی نوشته شده است، دیدگاه‌های خود را درباره اختلاف فکری مهمی که در جامعه دینی آن روز ایران مطرح بوده، بیان کرده است. فیض در این رساله به عیوب اهل ظاهر و اهل باطن پرداخته و در عین تأیید عرفان، حرکات زشت صوفیه و کارهای نادرست آنها را در «عبادت سازی» بیان می‌کند. رساله «رد صواب»، پاسخننامه‌ای است به دوازده پرسش فرضی. وی در این رساله به اختصار از اختلاف مشربهای فکری موجود سخن گفته و از موضع اخباری به آراء اصولیان تاخته است. رساله «آینه شاهی»، ترجمه‌ای است همراه با تلخیص از رساله دیگر فیض به زبان عربی بنام «ضیاءالقلب». اهمیت این رساله از این روست که ارتباط انسان را با شرع و عرف (حکومت و سلطنت) مورد تحقیق قرار می‌دهد. او با یک تحلیل روانی عقلانی کوشیده تا قوای مختلفی را که بر انسان حکم می‌رانند، بشناساند و بقنادهای آنها را مطرح کند و تقدم و تأخر هر یک از این قوا را شناسایی نماید. این قوا عبارتند از: عقل و شرع و طبع و عادت و عرف: مراد از عرف در وقت استیلاء سلطنت است.

این متن از رساله‌هایی است که در شناخت اندیشه سیاسی شیعه به کار می‌آید. رساله الانصاف که مهمترین رساله این مجموعه است، به سال ۱۰۸۲، یعنی هشت سال قبل از رحلت مرحوم فیض، به نگارش آمده است. اهمیت این رساله از آن روست که فیض نگاهی نقدگونه به برخی از آرا و نوشته‌های گذشته خویش دارد و اعتراف می‌کند که برخی آنها را «علی حسب التمرین» نگاشته است! در این رساله درباره چهارده مسئله متفلسفه، متصوفه، متکلمین و من‌عنیدین سخن گفته شده و انتقاداتی از آنها صورت گرفته است. فیض در رساله الفت نامه، روابط درونی برادران را تشریح کرده و مسلمانان را تحریض بر تشکیل مجمعی اخوت کرده است. انگیزه او در نگارش این رساله این است که «طریقه جمعیت و الفت و مرافقت و اخوت در دین، در زمان ما مندرس شده و قلوب اکثر اهل ایمان را با یکدیگر تنافری و تخالفی روی داده و نفاق و ریا در میان اکثر مردم شایع شده است». لذا می‌کوشد تا «بعد از تعیین جماعت اخوان و ضبط عدد ایشان، قواعد و قوانین چند در میان مقرر دارد بر وفق شریعت و طریقت. رساله هشتم پاسخ مختصر فیض است به سؤال تاجری از شهر مولتان هندوستان. مشواق، نام نهمین رساله فیض در این مجموعه است که در تعریفی استعارات اشعار صوفیانه به زبان فارسی نوشته است. تصوف شعر فارسی عالمی را مختل می‌سازد که در آن انسان و اجزای بدن او، محیط و مسکن و مأوای او و نیز معاشرانش، همه به نمایش گذاشته می‌شدند. درک نقش هر یک از این بازیگران، یا درک معنای هر یک از این الفاظ، منوط به درک نسبتی است که این بازیگر با سایر بازیگران و این لفظ با سایر الفاظ دارد. (رجوع کنید به مقاله نصرالله پورجوادی تحت عنوان رساله مشواق، حلقه‌ای از یک زنجیر ادبی و عرفانی، معارف، شماره اول، دوره چهارم.) و بالأخره رساله عربی الاعتذار، نامه‌ای است که فیض به یکی از علمای خراسان نگاشته است. آن عالم از وی خواسته بوده تا فیض نزد شاه و ساطت کند تا در خراسان منصب اقامه جماعت یا اداره امور آستان قدس به وی واگذار شود. فیض درخواست وی را با توضیحاتی درباره زندگی و خصائص روحی خود رد کرده است. این نامه در ارزیابی وضعیت دینی آن عصر از دیدگاه فیض مفید است.

متأسفانه رسائل ده‌گانه نه به ترتیب زمان نگارش مرتب شده و نه هیچ نظم منطقی دیگری رعایت شده است. مناسب

کتابی است بزرگ و گرانقدر و در ادبیات شرح حال نگاری با شیوه ویژه و چینش استوار، ممتاز است. مؤلف گاهی نیز شرح حال برخی از استادان و افرادی را که شرح حالشان در کتاب آمده است، یاد می‌کند و گاهی از چگونگیهای زمان زندگانی آنها سخن می‌گوید. بدین ترتیب، اثر مزبور کتابی است ادیبانه و زیبا و سودمند و بلکه تاریخ عصرها و نسلهایی در قالب شرح زندگانی مردانی از آل شرف الدین. (المراجعات، ص ۲۷).

و باید بر این دو بیان بیفزایم که بغیة الراغبین در ضمن شرح حال این خاندان بزرگ، تاریخ ادبی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی لبنان و نجف اشرف - که علامه شرف الدین در آنجا تحصیل کردند و به جایگاه والا اجتهاد دست یافتند - نیز هست. کتاب پس از مقدمه‌ای به خامه استاد محمدعلی قاسم درباره شرف الدین و شخصیت علمی، اجتماعی، و اصلاحی وی، با مقدمه‌ای از مؤلف درباره آل شرف الدین آغاز می‌شود و با شرح حال نیای بزرگ آنان، شرف الدین (سید شریف ابومحمد ابراهیم بن زین العابدین) ادامه می‌یابد. سپس شرح حال برادران شرف الدین است و فرزندان وی. آنگاه عموهای شرف الدین و سپس شرح حال جد وی و پدرش.

در باب دوم، سخن از دیگر رجال آل شرف الدین است و در ادامه آن، شرح حال سید محمد، معروف به سید صدرالدین، فرزند سید صالح، نیای بزرگ خانواده صدر و آنگاه شرح حال چهره‌ها و شخصیت‌های این تیره از آل شرف الدین، از جمله سید اسماعیل صدر (ج ۱، ص ۱۹۰) و سید صدرالدین صدر (ج ۱، ص ۲۴۲) و سید حیدر بن سید اسماعیل صدر (ج ۱، ص ۲۶۴) که در ذیل شرح حال کوتاه وی، شرح حال بلند و سودمندی را از چهره علمی و اجتماعی او محقق کتاب افزوده است و در پی آن شرح حال فرزند وی، سید اسماعیل صدر را به خامه علامه شهید آیت الله سید محمدباقر صدر آورده است و نیز شرح حال کوتاه شهید صدر را. در باب دوم از بخش دوم، از سید محمدعلی، فرزند سید صالح سخن رفته است و از فرزندان و نوادگان وی. در این بخش شرح حال علامه عالیقدر و مجتهد بزرگ این خاندان، آیت الله سیدحسن صدر به گونه‌ای بس زیبا، دلپذیر و استوار و سرشار از اطلاعات آمده است و در ادامه آن زندگانی سیاستمدار بزرگ این خاندان، سید محمد صدر، افزوده‌های جناب سید عبدالله شرف الدین در این دو شرح حال، بر غنا و سودمندی آن افزوده است. در بخش سوم این

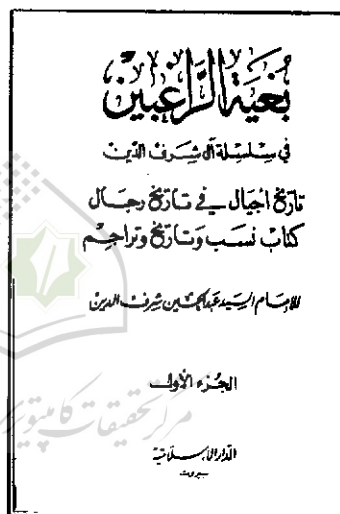
است مجموعه کامل رسائل فارسی مرحوم فیض در یک مجموعه گردآوری شود. اگر توفیقات گردآورنده محترم با حروفی متمایز از حروف متن رسائل چاپ می‌شد، بر زیبایی متن کتاب می‌افزود. آیات و روایات متن کتاب استخراج شده است. اما کتاب فاقد فهرستهای فنی، آیات و روایات و اعلام واژه‌هاست. سعی گردآورنده کتاب مشکور باد.

محسن کدیور

بغیة الراغبین فی سلسله آل شرف الدین

(بیروت، الدار الاسلامیة، ۱۴۱۱). ج ۲،

۴۸۹+۸۱۱ص، وزیری.



خاندان «شرف الدین» از سلسله‌های دیرپای سرزمین پرخاطره و شکوهمند شیعی جبل عامل است. «آل شرف الدین» با تیره‌های گوناگون (نورالدین، صدر، آل عباس، هاشم، مرتضی) یکی از بزرگترین و ارجمندترین خاندانهای شیعی آن دیار است.

علامه سید عبدالحسین شرف الدین، چهره تابناک شیعی در سده اخیر و قهرمان بی بدیل آوردگاه اندیشه‌ها، با نثر دلنشین و عبارات بلند و شکوهمندش، تاریخ این خاندان بزرگ را رقم زده است و فرزند برومند وی، سیدعبدالله شرف الدین، یکسره کتاب را از نظر گذرانده و بر موارد متعددی از آن، تعلیقات سودمندی نگاشته و با افزودن شرح حالهای فراوانی از این خاندان، اثر والای پدر بزرگوارش را به بهترین شکل عرضه کرده است. استاد محمدرضا حکیمی درباره کتاب فوق نوشته اند:

کتابی است ادبی، تاریخی، رجالی، در شرح حال عالمان خاندان شرف الدین و خاندان صدر و ذکر احوال و آثار استادان و شاگردان آنان. (شرف الدین، ص ۱۰۹).

همچنین علامه شیخ مرتضی آل یاسین، در ضمن مقدمه گرانقدری که به المراجعات نگاشته، درباره آن نوشته است:

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن

عباسعلی زنجانی. (چاپ پنجم: تهران، کتاب سیاسی،

۱۳۷۱). ۶۴۳ص، وزیری.

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن

عبدالمنان

کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن در چهار بخش تنظیم شده است: در بخش اول، تئوری انقلاب اسلامی، ماهیت و ویژگی‌های آن را می‌شناساند. بخش دوم مسی‌کوشد ریشه‌های عقیدتی انقلاب اسلامی را بیان کند و اصول سیاست

قرآنی را روشن سازد. بخش سوم به ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی اختصاص دارد. مؤلف در این بخش کوشیده است جنبش‌های شیعی را در طول تاریخ خونبار آن تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام-قده- باز گوید. بخش چهارم، عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را بر می‌شمارد و برخی از علل پیروزی انقلاب را از قول دیگران نقل و نقد می‌کند.

مطالب این کتاب، محصول تدریس در دانشگاه و کتاب دیگر مؤلف، مبانی فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و مشاهدات و تجارب خود مؤلف است. مخاطبان اصلی کتاب، دانشجویان کلیه رشته‌ها هستند و آنان باید درس «انقلاب اسلامی و ریشه‌ها» را که از دروس عمومی دانشگاه‌هاست، بگذارند. ضرورت گذراندن این درس و فراهم بودن این متن، موجب شد تا در مدتی حدود سه سال، پنج مرتبه تجدید چاپ شود و همچنان در بازارها -با آنکه تیراژ بالایی دارد- نایاب باشد.

این موفقیت را به مؤلف محترم کتاب تبریک می‌گوییم و در انتظار آنیم تا آثار تازه‌تری از ایشان مطالعه کنیم. لیکن نظر به حساسیت مخاطبان کتاب و آموزشی بودن متن آن، نکاتی را یادآور می‌شوم و امیدوارم در چاپ جدید شاهد بهبود و اصلاح آن باشیم.

۱ - درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، یک درس

باب، گزارش زندگانی سید ابوالحسن، فرزند سید صالح است و فرزندان و نوادگان وی. از جمله شرح حال سید محمدصادق صدر، مؤلف کتابهای حیات‌امیرالمؤمنین، الشیعه، و الأجماع فی التشریح الأسلامی.

بخش عظیمی از کتاب، مشتمل بر زندگینامه خود نوشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین است. وی این بخش را با زندگانی مادر بزرگوارش آغاز می‌کند و با گزارش زندگانی و آثار و متأثر برادرش، سید شرف، و فرزندان وی ادامه می‌دهد. آنگاه به زندگینامه خود پرداخته و از چگونگی تحصیلاتش در لبنان، و سپس هجرتش به نجف اشرف و ادامه تحصیل در آن دیار مقدس سخن گفته و در ضمن آن از استادان گرانقدرش در علوم اسلامی با کلماتی زیبا و جملاتی دلپذیر و بلیغ تجلیل کرده و سپس به تفصیل، آثار و نگاشته‌هایش را گزارش نموده است. در بخش بعد، از مراجعت به جیل عامل سخن گفته است و از قیام شکوهمندش علیه استعمار و درگیریش با جریانهای انحرافی، و شکیبایی خود و همراهانش در راه اعتلای کلمه حق و رنجها و زجرها و سختی‌هایی که کشیده‌اند، و نامردمیها و زشت رفتاریهای جباران، سیه‌دلان و نیز همراهان متکون و همگامان سست اراده و بدسگال. زندگینامه این «مرزبان بزرگ حماسه جاوید»، یکسره اقدام است و استوار، و برای رهروان راه راستی و رادی و انسانیت، تنبه آفرین و پندآموز.

جناب سید عبدالله شرف الدین در ادامه کتاب به تفصیل شرح حال فرزندان علامه شرف الدین را به قلم تنی چند از عالمان گزارش کرده است و در ادامه آن بسیاری از نامه‌ها و خطابه‌ها و بحثها وی را ثبت و ضبط نموده است و مقالات فراوانی از متفکران، مصلحان و ادیبان و نویسندگان را در تبیین زندگانی علمی، سیاسی ادبی و اهداف بلند و آرمانهای والایش نقل کرده است. در پایان، زندگینامه امام سید موسی صدر و آیت الله شهید سید محمدباقر صدر و خواهر شهیدش را به تفصیل آورده است.

گزیده سخن آنکه بغیة الراغبین، کتابی است تاریخی، رجالی، سیاسی، ادبی و اجتماعی و اثری است عظیم و خواند و ماندنی. این نگاه کوتاه در برنمودن مطالب سودمند این اثر فخیم، قطعاً بسنده نیست. خوانندگان را به خواندن در نگریستن در آن دعوت می‌کنم و بر مؤلف جلیل القدر آن و رضوان الهی را طلب می‌نمایم و بر محقق و متمم آن، توفیق و طول عمر.

محمدعلی مهدوی راد

یتزوج علی امرأته و لاتسرى علیها(۲)». یعنی وی عقیف بود و بر زن خود، زن دیگری و کنیزی نیاورد. و به عبارت امروزی، صدقه بن مزید شوهری وفادار بود. بنابراین همان گونه که می‌نگریم، مؤلف فاضل کتاب، عبارت مزبور را غلط ترجمه کرده است که باید نتیجه شتابزدگی باشد.

۴ - استفاده از متون اصیل و دقیق تاریخی پس از ارزیابی آنها، از شرایط مسلم تاریخنگاری است. هر چند مؤلف محترم از منابع متعددی استفاده کرده است، لیکن سره و ناسره زیادی در این منابع به چشم می‌خورد. برای نمونه، در جایی از کتاب، به «خداوند الموت» ارجاع داده و از آن جا نقل قول شده است (صص ۱۷۹ و ۱۸۰) در صورتی که این کتاب، اثری تاریخی نیست، بلکه رمانی تاریخی است با آمیزه‌ای از خیال و واقعیت. اساساً مرحوم ذبیح‌الله منصوری بنا به دلائلی، غالباً کتابهایی می‌نوشت و برای آنها مؤلفانی به نامهای میکیل پیرامو، رابرت ماسی، ادوارد توماس، کورت فریشلر و بل امیر جعل می‌کرد و خود را مترجم آن کتابها قلمداد می‌کرد. لذا کتابهای او، هر چند خواندنی و سرگرم‌کننده هستند، اما اعتبار تاریخی ندارند و قابل استناد نمی‌باشند(۳).

۵. یکی از سنتهای رایج مورخان قدیمی اغراق در دادن آمار است که ابن خلدون بر این سنت سخت می‌تازد و این گونه آمارها را قابل اعتماد نمی‌داند. داستان وجود سی هزار کله پز یک چشم «احمدنام» در شهر نیشابور، خود اغراقی است برای کوبیدن این اغراقها. مؤلف محترم گاه این گونه آمارها را نقل کرده و استدلال خود را سست کرده است. ایشان از مورخین نقل می‌کند که در جریان یورش وحشیانه مغولها به بغداد «تعداد نهصد هزار تن و یا یک میلیون و هشتاد هزار نفر از اهالی بغداد به فجیع‌ترین شکل قتل عام شدند (ص ۱۸۷). هر چند بغداد، عاصمه خلافت اسلامی بود و از مغولها هم هر کاری ساخته است، اما با توجه آنکه پیروان دیگر ادیان قتل عام نشدند و بغداد تسلیم شده بود و اساساً چنین جمعیتی در آن زمان در بغداد نمی‌توانستند باشند، این آمار قابل تأمل است. وقتی که به منبع مورد استناد مؤلف، یعنی البدایة و النهایة از ابن کثیر مراجعه می‌کنیم، چنین می‌خوانیم:

«و قد اختلف الناس فی کمیة من قتل ببغداد من المسلمین فی هذا الواقعة. فقیل ثمانمائة الف، و قیل الف الف و ثمانمائة الف و قیل بلغت القتلى الفی الف نفس(۴)». یعنی مردم در تعداد کشته شدگان مسلمان واقعه بغداد اختلاف

عمومی دو واحدی است؛ یعنی کلیه دانشجویان با هر نوع علایقی باید طی حداکثر سی و چهار ساعت درسی، این کتاب را بیاموزند و سپس امتحان دهند. در میان این دانشجویان، همان قدر علاقمندان مباحث تاریخی به چشم می‌خورد که تاریخ‌گریزان. با توجه به حجم کتاب (۵۷۴ص) عملاً بسیاری از مباحث خوانده نمی‌شود و در مواردی، استاد به دادن جزوه و امتحان گرفتن از آن اکتفا می‌کند. لذا مناسبتر است با حفظ مباحث ضروری، کتاب به صورتی در آید که همه آن خوانده شود و نقض غرض صورت نگیرد.

۲ - مختارین ابی عبیده ثقفی، در تاریخ به گونه‌ای جنجالی مورد قبول یا رد قرار گرفته است. عده‌ای وی را به عنوان یک پیامبر دروغین و متنبی محکوم کرده و کسانی وی را پیرو وفادار امام سجاد-ع- دانسته‌اند. طرح چنین شخصیتی با بیان نظریات متضاد، خارج از چهارچوب یک متن آموزشی، و طرح وی با اشاره به انتسابات رایج گمراه‌کننده است. مؤلف از برخورد نادرست مختار با امام حسن-ع- در جریان ترور آن حضرت در ساباط مهائن و بی‌وفایی وی نسبت به مسلم بن عقیل یاد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که وی در میان شیعه «چندان خوشنام و برخوردار از جایگاه مردمی نبود» (ص ۱۲۰). قیام مختار در این کتاب، قیامی سیاسی، بر اساس محاسبات سیاستمدارانه توصیف شده است و دست آخر از اثبات رابطه‌ای میان این قیام و تأیید رسمی امام سجاد-ع- ناتوان مانده است. کسانی که این بخش را بدون داشتن زمینه و اطلاعات تاریخی می‌خوانند، طبعاً دچار ابهاماتی می‌شوند. پس چه بهتر که این قسمت حذف شود یا آنکه بر اساس تحقیقات تازه تاریخی و نظریات جدید اصلاح گردد. در این مورد کافی است که اشاره کنم مرحوم آیت الله خوئی-ره- در کتاب معجم رجال الحدیث، بشدت از مختار دفاع می‌کند و احادیث ذم وی را ضعیف، مرسل یا صادر از باب تقیه می‌داند(۱).

۳ - بی‌دقتی در نقل یک سند یا خبر، گاه موجب بدآموزی می‌شود. مؤلف محترم در وصف سیف الدوله صدقه بن مزید به عنوان سرداری شیعی از ابن اثیر نقل می‌کند که: «او آن قدر با عفت بود که در سراسر عمرش ازدواج نکرد...» این مطلب به فرض صحت، موافق با تعالیم اسلام نیست و با توجه به قشر وسیع خوانندگان جوان کتاب، موجب القای شبهاتی می‌گردد. با وجود این، هنگام مراجعه به اصل منبع، یعنی الکامل فی التاریخ، چنین می‌خوانیم: «و کان عقیفاً لم

(عبدالحسین زرین کوب) و نیز دو ترجمه از المنقذ فی الضلال را می‌توان نام برد. آثار موجود او نیز غالباً چاپ شده، مخصوصاً کیمیای سعادت و ترجمه کهن احیاء العلوم و نیز نصیحة الملوک و مکاتیب غزالی به صورت مصحح و منقح عرضه شده است. نویسندگان غربی و عرب نیز درباره غزالی کارهای ارزشمندی انجام داده‌اند. مرکز نشر دانشگاهی به مناسبت نهمصدمین سال مرگ غزالی شماره‌ای از مجله معارف را به عنوان «ویژه‌نامه غزالی» منتشر کرد. (۱۳۶۳)

در کتب تاریخ فلسفه، تاریخ ادبیات و تاریخ تصوف نیز عموماً فصل مفصلی به غزالی اختصاص می‌دهند. ولی آنچه کمتر مورد بحث قرار گرفته، کتب او در مباحث منطق و معرفت است. (قسطاس المستقیم، محک النظر، معیار العلم، میزان العمل، المستصفی، المنقذ من الضلال و...) دلیل این دو امر، یعنی فراوانی کتب و مقالات درباره غزالی، و در عین حال کمتر پرداختن به جنبه علمی کار او، به این دلیل ساده است که غزالی مردی بوده است ذوفنون. او در تصوف و فلسفه و منطق و کلام و اصول و فقه و سیاست... صاحب نظر و در نثر عربی و فارسی استادی توانمند و ممتاز است و لذا هر کس با فرهنگ ایران و اسلام سر و کار دارد، خواه ناخواه گذارش به غزالی می‌افتد. ممکن است کسانی یعنی سلیقه‌های غزالی را نپسندند، ولی عظمت و اهمیت او را کسی منکر نتواند شد. حتی مردی با شجاعت ادبی و گستاخی اندیشه عین القضاة همدانی - که مرید احمد غزالی بوده - محمد غزالی را می‌ستاید. (نامه‌های عین القضاة، ج ۲، ص ۵۱؛ تمهیدات، ص ۲۸۰).

به هر حال، چون کتابها و رساله‌ها درباره غزالی فراوان است، لذا کارهای جدید درباره او را باید به احتیاط نگریست که آیا سخن تازه‌ای دارد و یا تکرار مکررات است. کتاب دکتر ابراهیمی دینانی به نام منطق و معرفت در نظر غزالی را به عنوان تورق در دست گرفتم، ولی بزودی متوجه شدم اثری است مایه دار و اصیل که مراجعاتش به اصل کتب غزالی بوده و با دقت یک کتاب درسی در سطح بالا، عین عبارات مورد استشهاد غزالی در آن با قید صفحه و چاپ مربوط، ذکر شده است. قدرت تحلیل مؤلف با تخصصی که در فلسفه اسلامی دارد، چشمگیر است و هر نکته را به سرچشمه‌های آن - البته در محدوده تاریخ فلسفه اسلامی - باز می‌گرداند. آنچه در آثار منطقی و حکمی و اصولی غزالی راجع به مباحث علم المعرفه و منطق هست، استخراج و در یک نظم معقول

داشتند. گفته شد هشتصد هزار تن و گفته شد یک میلیون و هشتصد هزار نفر و هم چنین گفته شد بیش از دو میلیون تن کشته شدند. همان طور که می‌بینیم، خود ابن کثیر، این آمارها را از زبان مردم و با عنوان «قیل» که معادل شایعه و «می‌گویند» است، نقل کرده و هرگز بدان استناد نمی‌کند. همچنان که در متن اصلی، تعداد کشته شدگان از هشتصد هزار تا بیش از دو میلیون نفر متغیر است.

به هر حال این یادآوریها به معنای کاستن از ارزش کار مؤلف گرانقدر نیست و امیدواریم در آینده شاهد متن منقح، مختصر و مستندی از این کتاب و همچنین کتابهای دیگری از ایشان باشیم.

پاورقی

۱. ر.ک: معجم رجال الحديث. سید ابوالقاسم خویی. (قم، مدینه العلم، ۱۴۰۳)، ج ۱۸، ص ۹۴-۱۰۲.
۲. الکامل فی التاريخ. ابن اثیر. (بیروت، دار صادر، ۱۳۸۶)، ج ۱۰، ص ۴۲۹.
۳. در این مورد، ر.ک: نشریه پیام کتابخانه. (سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۰)، ص ۱۲، پدیده ذبیح الله منصوری.
۴. البداية و النهایة. ابوالفداء ابن کثیر. (بیروت، مکتبة المعارف، ۱۹۶۶)، ج ۱۳، ص ۲۰۲.

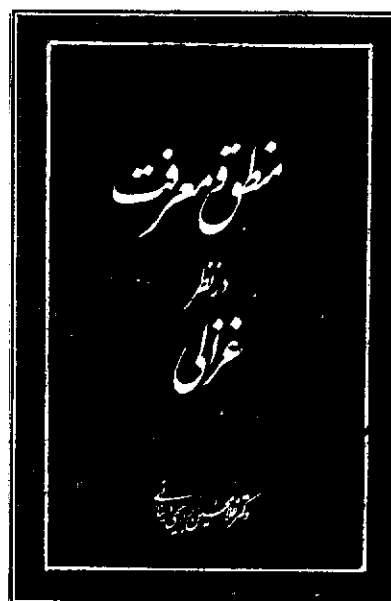
سید حسن اسلامی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

منطق و معرفت در نظر غزالی

غلامحسین ابراهیمی مینائی. (تهران، انتشارات امیرکبیر،

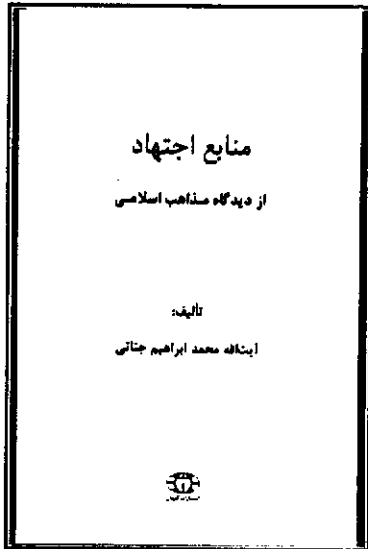
۱۳۷۰). ۵۵۴ ص، وزیری.



غزالی از بزرگانی است که درباره او کارهای تحقیق فراوان صورت پذیرفته است. از آن جمله به زبان فارسی سوانح غزالی (شبللی نعمانی)، غزالی نامه (جلال السدین همائی)، فراز از دره

منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلام

محمد ابراهیم جناتی . (تهران ، انتشارات کیهان ۱۳۷۱)
 ۴۲۳ ص ، وزیری .



اجتهاد فقیهان و استنباط عالمان مستند بر منابعی است که چند و چونی حجیت آنها از دیدگاه عالمان مذاهب مختلف اسلامی مورد گفتگوست . این مباحث به کیفیت و کمیت متفاوت در کتابهای اصولی مورد

گفتگو قرار میگیرد و عالمان و اصولیان از زاویه های متعددی بدان نگرسته و مینگردند . ارزیابی و نقد و تحلیل مبانی استنباط و مصادر اجتهاد به گونه تطبیقی ، پژوهشی سودمند و کار آمد است که اخیراً تنها تنی چند از فقیهان و متفکران بدان توجه کرده اند . در این زمینه، اثر گراندنر علامه سید محمد تقی حکیم با عنوان (الاصول العامه للفقهاء المقارن) یاد کردنی است و نیز کتاب مصادر الاستنباط بین الاصولین و الاخباریین که به ارزیابی مبانی استنباط از دیدگاه اصولیان و اخباریان پرداخته است .

نقد و تحلیل و بررسی عالمانه این موضوع را استاد جناتی ، سالهای پیش در سلسله مقالاتی در گرامی نامه کیهان اندیشه آغاز کردند که پس از نشر در شماره های متعدد آن ، اکنون یکجا مجال نشر یافته است .

کتاب حاضر پس از مقدمه ای کوتاه ، با بحث و بررسی درباره اولین منبع اجتهاد (قرآن کریم) آغاز میشود .

در این بحث از آیات الاحکام سیر تاریخی نگارش آیات الاحکام ، حجیت ظواهر کتاب، محکم و متشابه در قرآن ، نزول قرآن ، آیات مکی و مدنی، قرائت ، عدم تحریف قرآن و نسخ سخن رفته است .

همین جا یاد آوری کنم که پانصد آیه بودن آیات الاحکام قابل تامل است . این تامل و نقد را پژوهشهایی از متقدمین و متأخرین یاد کرده اند (الحیاه، ج ۲ ، ص ۳۵۵) نیز آنچه از طبقات نحاة درباره قاسم ابن اصبح بن محمد بیاتی آمده است

تنظیم، و توان گفت بازسازی شده است . بدین گونه با یک کتاب عمیق و جدی درباره گوشه ای از تاریخ گسترده اندیشه اسلامی روبرو هستیم . کار مؤلف در بررسی تحولات اندیشه، مبتنی بر روشهای جدید و عصری است؛ ضمن آنکه احاطه سنتی و مدرسی وی بر مسائل مورد بحث کاملاً مشهود است . مؤلف آن چنانکه در شأن یک نویسنده حکمت اندیش است به قضایا کاملاً عینی و از بیرون می نگرد و از طغیان قلم و تجلی احساسات و پسندهای شخصی و طرفگیریهای معمول کمتر نشانی در این کتاب می یابیم . در عین حال به زوایایی مبهم اشاره شده است . مثلاً: «کسانی... چنین می اندیشند که اساساً غزالی برای رد مذهب باطنیه تربیت یافته بود و کلیه امکانات دانشگاههای نظامیه در اختیار وی قرار داشت» . (ص ۹۲) .

کاش مؤلف محترم این مطلب را بیشتر بسط می دادند . این مسأله با آنکه تاریخی است و ظاهراً تأثیری در مطالب تخصصی مورد بحث ندارد، اما پژوهنده را ممکن است به این نتیجه برساند که غزالی به هر قیمت می خواست نهضت باطنی را بکوبد؛ هر چند به تناقضگویی دچار شود . همان کس که لعن یزید را جایز نمی داند، بسیاری از اهل قبله زمان خود را، از شیعه اسماعیلی گرفته تا عارف موحد... تکفیر می نمود و دست عباسیان و سلجوقیان را در آدمکشی بازتر می کرد . غزالی ضربه بزرگی به فلسفه وارد کرد و در عالم تسنن ریشه فلسفه را خشکانید . در عین آنکه حملات غزالی به فلسفه در عالم تشیع تأثیر منفی نداشت . اندیشمندان شیعی سیر فلسفه را تکامل بخشیدند و از نظریات غزالی بخصوص کتب عرفانی او (مانند مشکوة الانوار) سود جستند . پیجویی تأثیر منفی و مثبت یا به عبارت روشنتر درک نقش ویرانگری و سازندگی غزالی در فلسفه اسلامی، کاری است سترگ که حتماً باید بدان پرداخت و به شیوه همین کتاب با نقل شواهد و امثله از آثار غزالی و متفکران پیش از او و پس از او، جایگاه وی را دقیقاً در مسیر تطورات حکمت اسلامی روشن ساخت .

نقص عمده این کتاب، نداشتن فهرست راهنماست . مسلماً تهیه این فهرست که بایستی با اشراف خود مؤلف و به دست آدم ذیصلاحی صورت گیرد، خواننده را در رهیافت به نکات باریک و نقاط تاریک کمک خواهد کرد . مطالعه این کتاب را به پژوهشگران فرهنگ اسلامی توصیه می کنیم .

علیرضا ذکاوتی قراگزلو .

اختصار نهاده شده است که لازم بود به تفصیل آید. از جمله آنچه در صفحات ۳۱-۳۴ مطرح شده است و نیز آنچه با عنوان اعجاز قرآن در رابطه با قانونگذار ی مطرح شده است و نیز بحث عرف و عادت دیدگاه فقیهان شیعه و به طور کلی باز شناسی دقیق جایگاه عرف و نقد و بررسی آراء مخالف و موافق برخی از بحثهای پایانی کتاب نیز مانند استدلال، سیره عملی اهل مدینه و ... بیش از حد مختصر است. این را هم یاد آوری کنم که ناشر محترم حق این اثر گرانقدر را به شایستگی اداء نکرده است. چه، کتاب افزون بر غلطهای چاپی فراوان، از فهرستهای راهنما نیز تهی است.

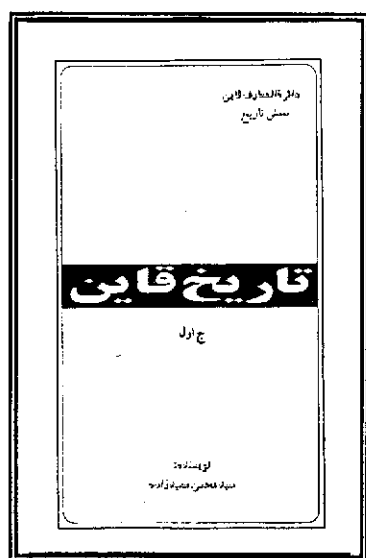
محمدعلی مهدوی راد

تاریخ قاین

سید محسن سعیدزاده. (قم، مؤلف، ۱۳۷۱). ج ۱، ۳۵۲ ص،

وزیری.

نگارش تاریخ مفصل و گسترده ایران، کاری است



سودمند و بر جای مانده که باید به همت بلند همگان سختکوش فرجام پذیرد. آنچه در گذشته در این باره شکل گرفته است، متأسفانه بیشتر به عنوان خوشداشت برای گروهی و سرگرمی برای گروهی دیگر و در نهایت از سوی حاکمیت

ستم در مسیر اسلام‌زدایی بوده است. و گاهی به گفته روانشاد جلال آل احمد:

می‌خواستند برای ایجاد اختلال و شعور تاریخی یک ملت، تاریخ بلافصل آن دوره را (یعنی دوره قاجار را) ندیده بگیرند و شب کودتا را یکسره بچسباندند به دمب کوروش و اردشیر. و انگار نه انگار که در این میانه هزارو سیصد سال فاصله است. توجه کنید به این اساس امر که فقط از این راه و بالق کردن زمینه فرهنگی-مذهبی، مرد معاصر می‌شد زمینه را برای هجوم غرب زدگی آماده ساخت که

که برخی او را اولین نویسنده در احکام القرآن دانسته اند، گویا مستند به سخن علامه سید حسن صدر است در تاسیس الشیعه که قطعاً درست نیست. از طبقات نحاة و یا بغیه الوعاة سیوطی، تنها سخن از این است که وی کتابی در احکام القرآن دارد؛ نه اینکه وی اولین نگارنده آیات الاحکام است. در بحث از دومین منبع اجتهاد، پس از تبیین معنای لغوی و اصطلاحی سنت، از حجیت سنت رسول الله (ص) و ائمه طاهرین (ع) سخن رفته و دیدگاه فقیهان اهل سنت در حجیت سنت صحابه نقد شده است. بحث از خیر واحد، شهرت، چگونگی تدوین حدیث، جعل و وضع در حدیث، دیدگاههای مختلف در شرایط استنباط از سنت، از دیگر مباحث این بخش است.

در سومین منبع به اجماع پرداخته شده است و با نگرشی به سیر تاریخی مساله اجماع، اقسام آن تبیین شده و ارزش اجماع در دیدگاههای مختلف طرح و بررسی شده است. در چهارمین منبع چگونگی عقل به عنوان منبع اجتهاد بررسی شده است و ضمن آن به مباحثی چون حسن و قبح عقلی، ملازمه بین حکم عقل و شرع، قلمرو عقل در شناخت حقایق و ... رسیدگی شده است.

در پنجمین منبع سخن از قیاس رفته است و سیر تاریخی آن و ارزش آن در استنباط بحث و بررسی از استحسان، به عنوان ششمین منبع اجتهاد مطرح شده است و آراء مذاهب مختلف در این باره نقد و بررسی شده است. مصالح مرسله، منبع هفتم است که در ضمن آن، سیر تاریخی مساله، موسس آن، اقسام مصالح مرسله و اعتبار آن در دیدگاه مذاهب گزارش و نقد و تحلیل شده است. استصلاح، به عنوان منبع هفتم مورد بررسی قرار گرفته است و دیدگاه فقهای شیعی، شافعی و حنفی درباره آن گزارش شده است. مذهب صحابی و چگونگی حجیت آن در دیدگاه معتقدان بدان، سد ذرایع و فتح ذرایع، شریعت سلف، عرف و عادت، سیره عملی اهل مدینه، استدلال و بالآخره استصحاب و برائت، به عنوان دیگر منابع اجتهاد به اختصار مورد گفتگو قرار گرفته اند.

جای کتابی بدین سان در ادبیات دینی فارسی جداً خالی بود. توجه به سیر تاریخی مساله و روشن ساختن خاستگاه آغازین مبانی و چگونگی نگرش بدانها در طول تاریخ فقه، نقد و بررسی عالمانه و دور از یکسو نگری، از جمله امتیازات بارز این کتاب است. با این همه، برخی از بحثها به

ششم، اقدامات سیاسی - نظامی سلطان محمد سلجوقی، سده هفتم قاین مشعلدار دانش و فرهنگ ایران. قهستان در آتش کینه دشمنان، سده هشتم ایلخانان و شاهزادگان مغول، سده نهم تیموریان در قاین، سده دهم اقتدار مجدد. در این فصلها از چگونگی ورود اسلام به این منطقه، ورود امزاده ها به قهستان (ص ۱۲)، حوزه علمی قاین، والیان قهستان، آل سیمجور، پیدایش اسماعیلیان (ص ۱۶۴)، ماهیت قیام آنان (ص ۱۶۷)، سلسله های سادات (ص ۱۹۲-۱۹۹). مخالفان اسماعیلیان، منبع شناسی اسماعیلیان (ص ۲۲۱)، مارکوپولو در قهستان (ص ۲۲۲)، از بکان در قهستان، شاه عباس کبیر در قاین (ص ۲۷۱) و... سخن رفته است. مؤلف در نگارش کتاب رنج گرانی تحمل کرده و با کاوش در منابع متعدد به نکات مهمی دست یافته و اشتباهاتی را تصحیح کرده است. گزیده گویی و پرهیز از دراز نویسی، افزون بر تتبع و وسیع، از ویژگیهای این اثر است. پس از نشر اولین جلد از دائرة المعارف قاین (بزرگان قاین) بلند همتان آن دیار برای نشر کتاب به یاری مؤلف شتافته اند، و فرهنگیان بسیاری در نشر این اثر سهم گشته اند که مؤلف - حق شناسی را - یاد نیک آنان را در آغاز کتاب آورده است. فلمتل هذا فلیعمل العالمون.

محمد علی مهدوی راد

اکنون تازه از سر خشتش برخاسته ایم. کشف حجاب - کلاه فرهنگی - منع تظاهرات مذهبی - خراب کردن تکیه دولت - کشتن تعزیه - سختگیری به روحانیت... اینها همه وسایل اعمال چنین سیاستی بود.

این تاریخ اگر امروز با واقعیتنگری انجام پذیرد و ابعاد مختلف فرهنگی، اعتقادی و تاریخی ایران از دیر باز تا کنون، بویژه تحول جامعه ایرانی در بستر فرهنگ اسلام بررسی شود، پیآمدهای میمون و فراوان فرهنگی و تاریخی به دنبال خواهد داشت. برای رسیدن به این مقصود شاید اولین و مهمترین گام، نگارش تاریخ آبادیها و شهرها و مناطق گونه گون ایران زمین باشد که باید با حوصله و دقت تمام انجام یابد.

نگارشهایی از این دست به انگیزه شناسایی و شناساندن فرهنگ، آداب، تاریخ و تحولات سیاسی و اجتماعی آنچه یاد شد، به همان اندازه که لازم و حتمی است، توانفرسا نیز هست. این گونه پژوهشها اگر بدرستی انجام پذیرد، بی گمان فقط نشستن در گوشه ای و کند و کاو در کتابها و کتابخانه ها را بر نمی تابد. بلکه پای در دشت نهادن و دیها و آبادیها را درنوردیدن و اطلاعات حضوری را با آگاهیهای مکتوب در هم آمیختن، طلب می کند. با توجه به آنچه آمد، تلاش عظیم جناب سعیدزاده که یک تنه کاری بدین بزرگی را آغاز کرده و بخشی از پژوهش در باب شهر و منطقه دیرپای قاین و قهستان را عرضه کرده است، ستودنی است. جناب سعیدزاده پیشتر جلد اول از رجال قاین را (که به پنج مجلد خواهد رسید) منتشر ساخته بود و ما از آن یاد کردیم (آینه پژوهش، شماره ۸، ص ۷۶)، اکنون جلد اول از تاریخ قاین نشر یافته است؛ درگزارش تاریخ، جغرافیا، حوادث سیاسی - اجتماعی قهستان و نیز چگونگی محله ها، جریانها، گروهها و سلسله های حاکم در آن دیار. فصل اول نگاهی است کلی به جغرافیای قاین با بحثی از واژه قاین، تعیین حدود قهستان، ویژگیهای مردم آن دیار و... در فصل دوم از قهستان قبل از اسلام بحث شده است؛ با گزارشی از آثار باستانی آن منطقه. فصل سوم که فصل درازدامن و اصلی کتاب است، قهستان دوره اسلامی را گزارش کرده است؛ با این عناوین: قهستان در سده اول، مقاومتها و قیامها، سده دوم هجری، آخرین ستیزها، سده سوم، دوره شکوفایی، سده چهارم، قهستان پایگاه اسلام، مرکز قدرت خراسان، سده پنجم، پیدایش اسماعیلیان، سده

سیاستگری و پژوهشخواهی

در شماره پیشین مجله آینه پژوهش به علت بروز برخی از مشکلات فنی، غلطهای چاپی متعددی به مجله راه یافت. از این رو، پژوهشیان و استادان و خوانندگان محترم، با ارسال نامه و پیام، شماری از این لغزشها را گوشزد کردند و ضمن گلایه، یادآور شدند که انتظار این لغزشها را در چنین مجله ای نداشته اند.

از آنجا که خوانندگان دانشور آینه پژوهش خود قادر به تشخیص صورت صحیح هر لغزش چاپی هستند، برشمردن آنها را ضرور نمی بینیم. با تشکر از تذکرات خیرخواهانه صاحب نظران و با یورش از همه خوانندگان، امیدواریم که بعد از این بدین نکته بیشتر اهتمام ورزیم. والعمر عند کرام الناس مقبول.

آینه پژوهش